

زنی جوان که مدعی بود همسرش را برای نجات جان خودش کشته، با قبول دفاع مشروعش در دادگاه از قصاص تبرئه و به پرداخت دیه محکوم شد. به گزارش خبرنگار جام جم، این زن متهم است اردیبهشت سال گذشته همسرش را با ضربه چاقو در خانه‌شان به قتل رسانده است. او در تحقیقات مدعی شد همسر صبح یا من درگیر شد و قصد کشتن مرا داشت که برای دفاع از خودم او را کشتم. با تکمیل تحقیقات

قتل شوهر

در دفاع از جان خود

پرونده برای رسیدگی به دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد. در جلسه رسیدگی به این پرونده اولیای دم برای قاتل پسرشان درخواست قصاص کردند. مینا هم در دفاع از خود گفت: چهار سال قبل از کشتن همسرم، ازدواج کردیم. ما از همان ابتدا اختلاف داشتیم و محمود سر هر موضوعی مرا به باد کتک می‌گرفت. روز حادثه خواب بودم که سراغم آمد و خواست موبایلم را به او بدهم که قبول

نکردم. روی من نشست و گلویم را محکم فشار داد. نفسم بند آمده بود. دستم به چاقوی میوه خوری که روی زمین بود خورد. برای نجات خودم با آن ضربه‌ای به محمود زدم و بعد از همسایه‌ها کمک خواستم. پس از دفاعیات متهم و وکیل مدافعتش، قضات وارد شور شده و دفاعیات زن جوان را قبول کرده و او را از اتهام قتل عمدی تبرئه کرده و به پرداخت دیه محکوم کردند.



نجات گروگان ۸ ساله از عمق چاه

پسر هشت ساله اهل دلپجان استان مرکزی که چند روز پیش خبر ناپدید شدن مرموزش در فضای مجازی

منتشر شده بود، سرانجام و با گذشت ۲۸ ساعت، با هوشیاری شهروندان دلپجانی و پلیس زنده پیدا شد. سه آدم‌ریز ناشناس، این پسرپچه را در یک چاه هفت متری در حوالی محل زندگی او انداخته بودند.



حادثه روز شنبه ۲۲ اردیبهشت ماه و زمانی اتفاق افتاد که علی اکبر از همراه مادرش از خانه بیرون رفته بودند، اما هیچکدام خبر نداشتند اتفاقی عجیب در انتظارشان است. مادر علی اکبر به جام جم توضیح داد: «ساعت ۱۱صباح هم بودیم که پسرم مقداری پول گرفت و جلوتر از من برای خرید به مغازه رفت. من هم پس از مدتی به مغازه رسیدم، اما پسرمر را ندیدم. سراغ علی اکبر را از مغازه‌دار گرفتم که گفت همین الان از مغازه بیرون رفت. اطراف را نگاه کردم، اما پسرم نبود. دوباره پرسیدم علی اکبر از کدام سمت رفت که گفت از همین جا به پایین خیابان رفت. یک ساعت دنبال پسرم گشتم، اما وقتی او را پیدا نکردم با پلیس تماس گرفتم و از اقوامم نیز کمک خواستم. ساعت‌های طولانی همه جا را دنبال پسرم می‌گشتم. روز بعد در یک مغازه میوه‌فروشی مشغول تماشای دوربین‌های مدار بسته بودم که از آگاهی خبر دادند علی اکبر پیدا شده است.» مادر علی اکبر در مورد نحوه پیدا شدن او ادامه داد: «علی اکبر گفت مامان وقتی از مغازه بیرون آمدم، یک زانتیا با چهار سرنشین مرا درزدیدند. یکی از آنها که راننده بود به من دست نزد، اما سه نفر که بعضی‌های‌شان کلاه و ماسک داشتند، پس از بردن به باغ مرا خیلی اذیت کردند و کتک زدند. بعد از کتک زدن، یکی از آنها مرا از شانه‌هایم گرفت و انداخت داخل چاهی که حوالی خانه خودمان است. بعد هم سنگ بزرگی از بالای چاه انداختند که خورد به پایم و ورم کرد. آنها به من گفتند شماره

پدرت را بده که می‌خواهیم پدرش را در بیاوریم که گفتم شماره پدرم را ندارم، در حالی‌که شماره در جیبم بود. بعد گفتند شماره مادرت را بده که باز هم گفتم ندارم.» به پسرم گفتم شماره را می‌دادی، پلیس پیگیر می‌شد و پیدای‌شان می‌کرد. علی اکبر گفت ترسیدم شماره را بدهم چون نگران بودم پدرم را اذیت کنند. آنها به پسرم گفتند شب سراغت می‌آییم، اگر زنده بودی تو را به اصفهان می‌بریم.

نجات معجزه‌آسا

یک روز بعد از مفقودی علی اکبر، زنی همراه دخترش در حال عبور از کنار چاه درسته بودند که به نظرشان آمد کسی از درون چاه ناله می‌کند. آنها که نسبت به صدا حساس شده بودند، در چاه را جابه‌جا کردند و پرسیدند کسی درون چاه است؟ علی اکبر که صدای زن را شنیده بود گفت خاله، شما را به خدا کمکم کنید، با پدرم تماس بگیرید مرا از اینجا ببرد. مادر علی اکبر ادامه داد: «آن زن به محض شنیدن حرف‌های پسرم با پلیس و آتش‌نشانی تماس گرفت و درخواست کمک کرد. وقتی به من خبر دادند پسرت پیدا شده است، به محل چاه رفتم. از جمعیتی‌که آنجا جمع شده بود، ترسیده بودم و فکر نمی‌کردم پسرم زنده باشد، اما خدا را شکر زنده بود. دو روز تمام درخانه نبودیم و در صحرا و بیابان دنبال پسرم می‌گشتم. خواهر علی اکبر در مدتی‌که او نبود، عکسش را در

اتفاقیه



بهلول قاتل آزاد شد

انداختن شال دور گردنش او را خفه کردم و در ادامه جسد را در باغچه دفن نمودم. با اعتراف‌های متهم او روانه زندان شد. در تحقیقات بعدی والدین واقعی مقتول شناسایی شدند. در جریان تحقیقات از آنها معلوم شد والدینش سال‌ها قبل از هم جدا شده‌اند. مادر معتادش به زندان رفته و شیمیای ۱۰ روزه را به داییش سپرده بودند و او نیز سرپرستی وی را به خانواده‌ای داده بود. مدتی بعد این پرونده با صدور جلب به دادرسی برای محاکمه متهم به شعبه هشتم دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد.

بخشش در دادگاه

اردیبهشت سال ۱۴۰۱ بهلول به اتهام قتل عمد، اختفای دختر نوجوان و دفن جسد او محاکمه شد. در جلسه دادگاه والدین شیمیا گفتند که قاتل را بخشیده‌اند و دیه می‌خواهند. بهلول در جلسه محاکمه گفت: دختر نوجوان خودش با من همراه شده و به خانه‌ام آمد. معتاد بود و شیشه مصرف می‌کردیم. روز حادثه با لباس نامناسب به تراس رفت و از این‌که همسایه‌ها او را با آن وضعیت دیده بودند عصبانی شدم و خفه‌اش کردم. دعوی ما چند نایبه بیشتر طول نکشید. قضات دادگاه با توجه به این‌که خانواده مقتول اعلام گذشت کرده بودند بهلول را محکوم به گذراندن ۸ سال حبس کردند که این حکم در دیوان عالی کشور تایید و برای اجرا به شعبه اول اجرای احکام دادسرای جانیی تهران ارسال شد. سرانجام این مرد تنهاکار که در زندان را سر می‌برد توانست از عفو مشروط استفاده کند و دوزور پیش از زندان قزلحصار کرج آزاد شد.

عدلیه

متهم به قتل در گفت‌وگو با «جام جم»:

کارگر مغازه به خواهرم تجاوز کرد کشتمش!

مرد ۳۴ ساله وقتی از خواهرش شنید که کارگر مغازه‌شان به او تجاوز کرده، مرد آزارگر را با سه ضربه چاقو در خیابان به قتل رساند.
به گزارش خبرنگار جام‌جم، ساعت ۲۳ شامگاه دوشنبه بیست‌وچهارم اردیبهشت امسال، یکی از ماموران کلانتری بی‌سیم در تماس با بازپرس کشیک قتل دادسرای جانیی تهران او را در جریان قتل یک تبعه خارجی جوان در حوالی میدان خراسان تهران قرار داد. با دستور قضایی، تیمی از ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران به آنجا اعزام شده و پی بردند پسر جوان با سه ضربه چاقو به قتل رسیده است. سه مرد جوان که با هم برادر بودند در این ماجرا

مستحق مرگ بود

مهرشاد ۲۴ ساله تا کلاس سوم راهنمایی بیشتر درس نخوانده، مجرد بود و همراه برادرانش کاری‌گرداما دستش به خون‌کارگرش آلوده شد. گفت‌وگویی با او بعد از جلسه تحقیقات قضایی انجام دادیم که می‌خوانید.
انگیزه‌ات از ارتکاب جنایت چه بود؟
او به خواهرم تجاوز کرده و مستحق مرگ بود.
چطور از این ماجرا باخبر شدی؟
شب قبل چند نفر از همسایه‌ها مرا دیدند و گفتند کارگر شما بصیر را دیدیم که سراسیمه از خانه شما بیرون آمد و بعد صدای فریاد و گریه از خانه‌تان شنیده شد. با برادرانم که به خانه رفتم، خواهرم گریه می‌کرد و گفت که کارگرم‌ا به او تجاوز کرده است. او به ما گفت روز قبل بصیر به خانه‌مان آمده و به

پیگیری

فرضیه قتل شهردار رد شد

معاون دادستان مرکز استان فارس اعلام کرد: نتایج آخرین تحقیقات و بررسی‌های علمی و تخصصی، فرضیه قتل شهردار منطقه پنج شیراز را رد می‌کند.

به گزارش جام جم، افشین محمدی دره شوری دیروز درباره مرگ مشکوک شهردار منطقه پنج شیراز در این باره گفت: در لحظه ورود به منزل مرحوم مسعودی، به‌هم ریختگی برخی اشیاء در منزل و خصوصاً افتادن گلدان بزرگ و سنگین وزن کنار پنجره سالن و مشاهده جراحتی که با شی احتمالاً برنده وارد بدن

جام جم

حوادث

۱۹

INCIDENT

چهارشنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۲ شماره ۶۷۶۶

کوتاه‌از حوادث

بازداشت فیشینگ‌کاران کلاهبردار

دو فیشینگ‌کار حرفه‌ای با ۱۸۰۰ مالباخته و ۳۰ میلیارد ریال کلاهبرداری توسط پلیس فتای استان البرز بازداشت شدند.
سردار حمید هداوند، فرمانده انتظامی البرز در این باره به سایت پلیس گفت: در پی ارجاع یک فقره پرونده بررسی خرید اینترنتی با وجوه کلاهبرداری شده از طریق فیشینگ، تحقیقات ماموران فتای استان البرز آغازشد. در جریان تحقیقات معلوم شد شاکی قصد فروش تلفن همراه خود در یکی از سایت‌های خرید و فروش لوازم دست دوم را داشته که شخصی ناشناس با وی تماس گرفته و با واریز وجه به حساب او از طریق تاکسی اینترنتی گوشی تلفن همراه را دریافت و نامبرده پس از مدتی با انسداد حساب خود روبه‌رو شده است. وی افزود: در جریان تحقیقات رد دو مرد در این رابطه به دست آمد و آنها در شهر جدید مِهستان بازداشت شدند. در بررسی تجهیزات الکترونیک متهمان، اطلاعات حساب بانکی ۱۸۰۰ نفر از کاربران و ۵۰ اکانت تلگرامی که از طریق آنها لینک‌های آلوده به کاربران ارسال می‌شد به دست آمد. همچنین از مخفیگاه آنها پنج دستگاه تلفن همراه الیقون ۱۳ که با وجوه کلاهبرداری خریداری شده بودند، کشف شد. متهمان تاکنون از ۱۸ مالباخته در شهرهای مختلف بیش از ۳۰ میلیارد ریال کلاهبرداری کرده‌اند.

قصاص برای قاتل مادر بزرگ

نوه ناخلف که با مجسمه گچی مادر بزرگش راکشته بود، در حالی به زودی محاکمه می‌شود که عمه‌هایش برای او درخواست قصاص کرده‌اند.
به گزارش خبرنگار جام‌جم، سیزدهم اسفند سال ۱۴۰۱ با گزارش قتل زنی ۸۳ ساله در خانه‌اش در خیابان مدنی تهران تحقیقات پلیسی آغاز شد. ماموران پس از ورود به آپارتمان با پیگیری بی‌چان این زن ۸۳ ساله و خانهای به‌هم ریخته روبه‌رو شدند. شکستگی شیشه پنجره‌ها و تخریب در بالکن نشان می‌داد سارق یا سارقان به قصد سرقت وارد خانه زن تنها شده و پس از قتل وی، اموال قیمتی خانه‌اش را به سرقت برده‌اند. جسد زن سالخورده در پذیرایی افتاده بود و مجسمه گچی خرد شده‌ای کنار جسد قرار داشت. شواهد نشان می‌داد او بر اثر وارد شدن ضربه مجسمه گچی به سرش به قتل رسیده و طلاها همراه لوازم بار ورزش خانه‌اش سرقت شده است. در تخریب شده بالکن و سالم بودن در ورودی نشان می‌داد سارقان از بالکن وارد خانه شده‌اند. مأموران با بررسی تکه‌های مجسمه گچی روی زمین و کنار جسد اثر انگشت قاتل را روی آن به دست آوردند. آنها در شاخه دیگری از تحقیقات سراغ دوربین‌های مدار بسته اطراف محل حادثه رفتند و با بازبینی تصاویر آن تصویر مردی جوان را که نوه مقتول بود مشاهده کردند که آخرین بار وارد خانه مقتول شده و ساعتی بعد آنجا را ترک کرده بود. با کشف این سرنخ و فرضیه پیش روی تیم جنایی قرار گرفت نخست این‌که قتل ازسوی این مرد رخ داده یا این‌که پس از رفتن او، سارقان از طریق بالکن وارد خانه پیرزن شده و جان او را گرفته‌اند. اثر انگشت روی مجسمه گچی به آزمایشگاه پلیس فرستاده شد و پس از انجام بررسی‌ها حقیقت ماجرا آشکار شد. اثر انگشت متعلق به نوه مقتول بود. متهم پس از دستگیر شدن در بازجویی وقتی هیچ راهی برای فرار نداشت، لب به اعتراف گشود و گفت: با مادر بزرگم اختلافی نداشتم. چون چند سال از او بی‌خبر بودم، دلنگش شدم و به خانه‌اش رفتم. ۱۲ قرص اعصاب خورده بودم. درباره گذشته حرف زدم که ناگهان به مادر فوت شده‌ام فحاشی کرد. عصبانی شدم و چون سابقه پرت کردن وسایل به سمت افراد را داشتم مجسمه گچی را پرت کردم که به سر مادر بزرگم خورد و او فوت شد. از شدت ترق عرق کردم به طوری که همه لباس‌هایم خیس شده بود. زانم بند آمده بود. وسایل خانه‌را به‌هم ریختم. دو گوشی تلفن او و دستگاه آکسین ساز را بردم و در خیابان انداختم تا تصور شود او قربانی سرقت از خانه‌اش شده است. به خانه باگشتم و حرفی به همسرم نزدم. به دلیل ترس از سرنوشت دختر شش ساله‌ام تسلیم نشدم.» پس از تکمیل تحقیقات مقدماتی و بازسازی صحنه جرم، برای متهم کفرخواست صادر و پرونده‌اش به شعبه یازدهم دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد. این درحالی است که عمه‌های متهم برای او درخواست قصاص کرده‌اند.

